

3 سوره قرآن، پلورالیسم دینی را باطل اعلان کرده است

مفسر بزرگ قرآن گفت: جریان پلورالیسم دینی هم در سوره انعام آیه 126(1) آمده است و هم در سوره اعراف(2) که ما بیش از یک صراط نداریم؛ در سوره آل عمران(3) هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست...



جلسه تفسیر آیت‌الله العظمی جوادی آملی:

مفسر بزرگ قرآن گفت: جریان پلورالیسم دینی هم در سوره انعام آیه 126(1) آمده است و هم در سوره اعراف(2) که ما بیش از یک صراط نداریم؛ در سوره آل عمران(3) هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست. آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی، مرجع تقلید شیعیان چهارشنبه، 27 آذر، در تفسیر آیات 5 تا 11 سوره یس در مسجد اعظم قم گفت: خداوند در سوره یاسین بعد از سوگند به قرآن کریم فرمود شما از مرسلین هستید نه تنها از انبیاء هستید بلکه از مرسلین هستید و صاحب کتاب هستید و علاوه بر اینها بر صراط مستقیم هستید؛ بر اساس آیات اولیه این سوره همه مرسلین بر یک صراط هستند و دیگر صراط‌های متعدد نخواهیم داشت.

* رد جریان پلورالیسم دینی در سوره‌های انعام و اعراف

این مرجع تقلید شیعیان عنوان کرد: جریان پلورالیسم دینی و کثرت دینی هم در سوره انعام آیه 126 آمده است و هم در سوره اعراف که ما بیش از یک صراط نداریم. البته راه‌های فرعی که از آنها به شریعت و منهاج عنوان می‌شود وجود دارد و هر دینی فروع خاص خودش را دارد، همچنان که در آیه 48 سوره مائده می‌فرماید «لِكَلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِثَاجًا» برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم « بنابر این هر امت نماز مخصوص، روزه مخصوص، قبله مخصوص و دیگر فروع خاص خودش را دارد. ولی مجموعاً همه ادیان بر یک صراط مستقیم هستند و صراط مستقیم هم یکی است.

* صراط و دین جمع ندارد

وی ادامه داد: در سوره هود و مانند آن بیان شده است که خدا بر صراط مستقیم است، بر این اساس تمام کارهای خدا بر صراط مستقیم است و زمانی که پیامبران فرستادگان خدا در میان مردم باشند پس باید آنان که راهیان راه الله هستند؛ نیز در صراط مستقیم باشند. در سوره آل عمران هم آمده که تنها دین مرضی خدا اسلام است، بر همین اساس است که صراط و دین جمع ندارد چرا که همه اینها یکی هستند. بنابراین زمانی که راه یکی است پلورالیسم دینی باطل است و کثرت دینی قابل قبول نیست.

* انذار در ایمان آوردن از تبشیر تاثیرگذارتر است

این مفسر قرآن بیان کرد: بر اساس آیه «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» خداوند می‌فرماید چه آنها را انذار دهی و بترسانی یا نترسانی آنها ایمان نمی‌آورند این نشان می‌دهد که اگر آنها تبشیر هم شوند مؤمن نمی‌شوند چون که غالباً انذار تأثیر بیشتری در ایمان دارد تا تبشیر. حتی اگر برای اینها برهان هم بیاورید آنها ایمان نمی‌آورند چون آنها در حجاب هستند و صفحه دل و لوح سفیدی که به آنها داده بودیم را پر کرده‌اند و جای دیگری برای چیز دیگر نگذاشته‌اند.

* چرا خداوند بر دل‌های مشرکان مهر می‌زند؟

آیت‌الله جوادی اظهار کرد: وقتی آنها آنقدر این لوح سفید را سیاه کردند که به وضوح می‌گویند چه ما را انذار کنی چه نکنی تفاوتی ندارد اینها جایی برای نور در لوح سفید نگذاشته‌اند و زمانی که آنها این لوح سفید را سیاه کرده‌اند پس ما هم به این لوح سیاه مهر می‌زنیم. این مفهوم همان چیزی است که خداوند در آیه 6 سوره بقره بیان کرده است: «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» خداوند بر دل‌های آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناک است».

* تشریح معنای «غل» در آیه 8 سوره یس

وی ادامه داد: مفهوم «غل» در آیه 8 سوره یس این است که دست‌ها را به گردن می‌بندند تا زیر چانه که نتواند سرخم کند و روشن شد که این شخص آینده را نمی‌تواند ببیند از گذشته هم خبر ندارد و جلوی پای خود را هم نمی‌تواند ببیند. اینها در حقیقت مقمح هستند. آنها سر به هوا هستند و از شدت هراس چشم‌شان بسته است. بنابراین این فرد اگر چه سرش به هوا است نمی‌تواند بالا را هم ببیند. تمام آیات در این باره نشان دهنده این است که آنها بالا را هم نمی‌بینند چون مغضوض البصر هستند و چشم‌شان نمی‌بیند. وضع این گونه افراد در قیامت نیز همین گونه است.

آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: در آیه 7 سوره لقمان نیز بیان شده است «وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلِيَ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرْنَاهُ بَعَذَابِ أَلِيمٍ» و هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود، متکبران روی می‌گرداند، چنان که گویی آنها را نشنیده است؛ گویی در هر دو گوشش سنگینی افتاده و کر شده است؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده» مشرکان اول گویا نمی‌شنوند اما در آخر اصلاً نمی‌شنوند و انگار گوش‌شان کر شده است و آیات الهی را افسانه می‌خوانند. اینها بر خلاف مومنان به جای اینکه گویا نشنیدن را تبدیل کنند به شنیدن آن را تبدیل می‌کنند به کری مانند همان بت‌ها و چوب‌ها.

این مرجع تقلید تصریح کرد: این گروه در قیامت به همین وضعی که در پایان سوره ابراهیم آمده است دچار می‌شوند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (42) مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْقِدْتَهُمْ هَوَاءً؛ = و تو ای انسان مپندار که خدا از آنچه ستمکاران غرق در ناز و نعمت انجام می‌دهند بی خبر است؛ جز این نیست که کيفر آنان را تا روزی که چشم‌ها از ترس خیره می‌شود به تأخیر می‌افکند (42) در حالی که گردن‌هایشان را کشیده و سرهایشان را بالا آورده‌اند، و بر اثر ترس پلک‌هایشان بر هم نمی‌آید و دل‌هایشان از هر چاره و تدبیری تهی است».

* گناه؛ حجابی که دیده نمی‌شود

وی ادامه داد: دل اینها خالی است سرشان بالاست اما قدرت این که بخواهند این طرف و آن طرف را ببینند، ندارند؛ اینها همان کسانی بودند که در دنیا سر به هوا بودند. بنابراین آنها در حجاب هستند و این حجاب، تنها حجاب مادی نیست و حجاب معنوی را هم شامل می‌شود. حجاب گاهی دیدنی است مانند دیوار و در و پرده و ... و گاهی پنهان است که انسان آن را نمی‌بیند مثل گناه که به واقع گناه حجابی است که دیده نمی‌شود.

* وقتی می‌خواهد بترساند، می‌گوید از کسی که بخشنده است بترس

آیت‌الله جوادی در تفسیر آیه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ؛ تو فقط کسی را هشدار می‌دهی و هشدار تو برای او سودمند است که قرآن را تصدیق کند و به سمت و سوی آن گراید و از خدای رحمان که برای او در حجاب است، بهراسد و در عین حال به رحمتش امیدوار باشد. چنین کسی را به آمرزش گناهان و بهشت که پاداشی ارجمند است نوید ده» گفت: چقدر این کتاب شیرین است وقتی که می‌خواهد بترساند می‌گوید از خدای رؤوف بترسید در حالی که این دو با هم تناسب ندارند. انسان‌ها وقتی می‌خواهند کسی را بترسانند از آدم منتقم می‌ترسانند اما قرآن این گونه حرف نمی‌زند می‌گوید از کسی که بخشنده است بترس.

* خضوع انسان در مقابل خداوند باید ادیبانه و مودبانه باشد

وی تاکید کرد: بر اساس این آیه خشیت و خضوع انسان در مقابل خداوند باید ادیبانه و مودبانه باشد؛ چرا که این همه رحمت کرد این همه لطف کرد و تا آنجایی که حتی اگر انسان نترسید باز هم رحمت می‌کند مگر اینکه انسان خودش در رحمت را ببندد چرا که او «دائم الفضل علی البریه» است. اینجا سخن از رحمت است سخن از مغفرت است سخن از اجر کریم است. اگر انسان بعد از مردن می‌پوسید حرفی نبود اما وقتی از پوست در می‌آید و به جهان ابد سفر می‌کند دست خالی رفتن کار آسانی نیست.

* توضیحات اعتدال:

1 آیاتی از سوره مبارکه انعام که در آنها این مطلب که «بیش از یک صراط نداریم» است به این شرح می‌باشد:

الف؛ سوره انعام / آیه 39: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ = آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد)، گمراه می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، بر راه راست قرار خواهد داد.

ب؛ سوره انعام / آیه 87: وَمِنْ آيَاتِهِمْ وَذَرِّيَاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَنِبَتْهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ لِلصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ = و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم

ج: سوره انعام / آیه 126: وَهَذَا صِرَاطٌ رَّكَعٌ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ = و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست؛ ما آیات خود را برای کسانی که پند می‌گیرند، بیان کردیم!

د: سوره انعام / آیه 153: وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذِكْرٌ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ = این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!»

ه: سوره انعام / آیه 161: قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ = بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا)؛ آیین ابراهیم؛ که از آیینهای خرافی روی برگرداند؛ و از مشرکان نبود.

2 احتمالا منظور حضرت استاد دو آیه شریفه زیر است:

الف: سوره آل عمران / آیه 51: إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ؛ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ = خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)؛ این است راه راست.

ب: سوره آل عمران / آیه 101: وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ = و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامن وحی قرار گرفته‌اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابر این، به خدا تمسک جویید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است.

3 احتمالا منظور علامه 2 آیه زیر است:

الف؛ سوره اعراف / آیه 16: قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِ لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ = گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می‌کنم!

ب؛ سوره اعراف / آیه 86: وَ لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ ثُوْعَدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُوتُهَا عَوجًا وَادْكُرُوا إِيَّاهُ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكُتِرْكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید، و با (القای شبهات)، آن را کج و معوج نشان دهید! و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید، و او شما را فزونی داد! و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود.